

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

حقایق در پیرامون دیانت

عده ای در فضای کثیف خرافات و تعصب و لجاج باقی مانده اند. از مرزهای کهنه پرستی نمی توانند یک قدم فرا نهند. خود را محصور کرده، دنیای روشن را تاریک و حیات فکر خود و سایرین را در تنگنای تعصب خشک، گرفتار و زنجیر دوران جاهلیت را به پای مردمان بی گناه بسته اند.

این طرز فکر اشخاص بی مطالعه، بلیه و مصیبت بزرگی است، که علما اعلام و دانشمندان معظم از وجود آنها بیزار بوده و در عالم اخلاق محلی ندارند. ای کاش گمراهان در امور خود به راه کج و غلط نروند و در صراط مستقیم باشند. پای از گلیم خود دراز نکرده و بدانند که گفته های آنها باعث تفرقه و تشتت فرق مسلمین و مذاهب و سایر ادیان و انقلاب و تشدید مخالفت بوده و بسیاری مباحث علمی را ضایع نموده و درهای دانش و فهم را به روی خود و سایرین مسدود و قلوب را از تابش انوار معرفت محروم می سازند. انواری که رکنی بزرگ از تمدن و تصفیه اخلاق و تطهیر روحی عالم وحدت است.

هرگاه کسی در صدد باشد جلو اشعه درخشان تابناک یزدانی را سد و خاموش بدارد، لکه ننگی در تاریخ بشریت بر دامن خود بجای خواهد گذارد. تعصب کورکورانه و غیرمنصفانه برخلاف وجدان و ضمیر باطن و حق و عدالت است. پاداش و اجر آنها با خدای بزرگ.

خدای را به حقیقت قرآن مجید و کتب آسمانی سوگند می دهم، که انصاف در قضاوت به همه عنایت فرماید تا در سایه آن فکرها باز، عقلها صائب و روشن بین شوند، تا در سایه خود این اختلاف کمرشکن فرق و ادیان برطرف شده، وحدت ادیان جامه عمل پوشیده و عالم بشریت از مزایای اتحاد و هماهنگی و یگانگی، مهر و محبت و صفا که رضای خداوند قادر متعال و آرزوی هر بشر با فکر متدین با ایمانی است، برآورده شود.

بدون تردید کسی که بخواهد راستی چیزی را بفهمد و در صدد بدست آوردن حقیقت باشد، با عقل سلیم و فکری خالی از تعصب به کنجکاوی و بررسی مطالب پردازد، به همان اندازه که برایش ممکن و مقدور است از سایر مذاهب استفاده دانشی و اخلاقی و روحی ببرد، می تواند از روش علوم وحدت ادیان بهره مند گردد و اگر منصفانه بخواهد وجدان خود را حکم قرار دهد، بی شک و فوری تصدیق خواهد کرد که وحدت ادیان برای جامعه بشریت و مردم کره زمین مفید و واجب و برای یگانگی، صلح، صفا، مهر و مودت لزوم فوری دارد.

تن و جان به حکم ایزد چو به قدر نور امکان
که قدم گذارم اینک به جهان برای اذهان
همه لامع از بیانم - همه مشتعل مکانیم
بسکینه^۱ گویمت این بسلاسل ای فهیمان

در مدت سه هزار و اندی سال که از تاریخ و روایات و حکایات ادیان می گذرد، این طور استنباط می شود که بزرگان هر قوم و دین مطالبی علیه یکدیگر انتشار داده اند، که منجر به شکاف عمیق و وسیعی بین پیروان ادیان شده است و از این راه خسارات جبران ناپذیری به عالم بشریت و انسانیت وارد آمده است و برخی از گردانندگان غافل ادیان خرافات و توهمات و عقاید ناروا و ناحق وارد روحیات و اخلاق آدمیت نموده اند.

بالتیجه تفرقه و نفاق بین ادیان ظاهر و نگذاشته علم و فکر و عقل مورد استفاده قرار گیرد. از وفاق و محبت و مهرورزی استفاده ننموده اند تا مانع از جدایی و پراکندگی و تفرقه بشر شوند. اگر پیشینیان دست از تعصب خشک و خرافات برمی داشتند و خوی خودخواهی و لجاج و عناد را کنار می گذاشتند و فکر حریت عقل و رای بشردوستی را حاکم و سرمشق قرار می دادند، از منابع دانش بشر استفاده می نمودند و با شهامت از روش تحقیقی و خداپسند یگانگی و وحدت پیروی می کردند و هیچگاه در صدد پراکنده کردن افراد جمعیت یک (خانه) به عنوان اختلاف مذاهب بر نمی آمدند، این همه کشتار و بیرحمی و سعیت به همونوع بوجود نمی آمد.

بی خبری پاره ای از آنها سبب شد که خرافات غیر قابل تحملی در میان توده مردمان عامی پدیدار گردد، بدین معنی که با تمرینات و تبلیغات ناروا و سهوآمیز، ادیان آسمانی را دشمن یکدیگر قرار دادند، حق مطلق برای هر دین قائل شدند و هر دین عملیات دشمنانه ای با سایر ادیان اجرا کرد و دست به اقدامات بر ضد عالم بشریت و نوع پروری و انسانیت زدند، و بدون جهت تعداد بیشماری از بندگان الهی را کشته و از بین بردند و بجز خسارت و فساد نتیجه مثبتی نداشت. و نیز خسارت غیر قابل جبرانی به پیکره خداپرستان همونوع خود وارد ساختند. زمینهای زراعی را تبدیل به زمین بایر نمودند. باغها و درختان و جنگلها را سوزاندند، حیوانات را از بین بردند، بچه های معصوم بیگناه آدمی، هزاران هزار، بدون جهت از بین رفتند. در کشت و کشتار به قدری افراط کردند که شاید دو سوم مخلوقات خدای بزرگ را برانداختند.

هر دین انحصاراتی برای خود تشکیل داد و افراد ادیان قوی، ضعفای پیروان ادیان دیگر را چنان تحت فشار قرار می دادند که از فقر و گرسنگی، بیچارگی، جنگ خانمانسوز مذهبی به حالت حیرت و سرگردانی دچار می شدند و از روی الجاء و اجبار می بایستی بر خلاف عقیده و امیال خود تبعیت از ادیان دیگر کنند، در غیر این صورت جانشان در خطر بود.

در مقابل این حرکات وحشیانه، بزرگان و نیک اندیشان هیچ دارویی ندادند و درمانی نکردند. بدین طریق نائره جنگ و کدورت در میان مذاهب خداپرست شعله ور می گردید و این روش در هر زمان که باشد برای عالم بشریت بسیار خطرناک است.

باید دانست بدون شک و تردید هرگاه بخواهند حقیقت چیزی را بفهمند و اگر مشکلی به نظرشان رسید با فکری خالی از تعصب بررسی کنند و منصفانه قضاوت نمایند، خواهند فهمید که خداپرستان جهان خواهران و برادران یکدیگر هستند و همه ادیان و پیشوایان از طرف خدای واحدی مبعوث شده و از یک چشمه آب زلال بهره ور هستند.

ای برادر عزیز- همه میوه یک شجر، و از این آب و خاک هستیم. باید پیروان مذاهب باهم سازش داشته، باصفا، مهر، وفاق و بدون جنگ و خونریزی، در غم و تألم هم شریک و در بهبود زندگانی کمک و یار و یاور هم باشند.

اگر در بعضی لغزش و اشتباهاتی سرزده، مطالب و ضدیت و اختلاف و نفاق و دوری مذاهب را بر خود مشتبه ساخته، آموزشهایی ناروا که به سود عالم بشریت نبوده با تمرینات خاص به مغز عوام الناس فرو برده اند، باید دانست گناهی عظیم مرتکب شده اند و از این راه سودی برای اجتماع و عالم بشریت نخواهد بود.

اینک می گویم خالق همه بشر و موجودات و کرات و کهکشانها، آنچه با چشم دیده می شود و آنچه غیر مرئی و از بشر پوشیده است، یک خدای واحد و بی همتا است و این حجتی است قاطع. اختلاف مذاهب باعث پراکندگی و اضمحلال خواهد بود. بهترین کار آنست که علما و دانشمندان، بزرگان، اکابر، اعظم مذاهب تجدید نظر و تبادل فکری نموده راهی حسابی و عقلانی در پیش پای افراد بشر نهاده، مورد اختلاف را بررسی و اتحاد و اتفافی برقرار نموده و بیش از این در صدد اضمحلال و از بین بردن عالم بشریت نشوند.

در گذشته چشم و گوش مردم بسته تا حدی عقب مانده و به خرافات و اوهام پایبند بودند و غالباً از هم نفرت داشتند و ادیان و پیروان مذاهب دیگر را نجس می دانستند. البته این وضع بسیار نامطلوب بود، زیرا هرگاه می خواستند سخن حق را گوشزد نمایند، افراد مذاهب دیگر حق حضور در مجالس وعظ آنها را نداشتند. آیا فکر نمی کنید که اگر حرف حق را به سمع آنها

نرسانید گناهی عظیم است؟ باید در این عصر و زمان بشر دست به هم داده، بکوشند زمینه تفاهم جهانی و حسن روابط ادیان مختلفه را فراهم سازند و روح برادری و خواهری و وفاق و یگانگی در جهان وسعت گیرد و در اثر تمرین و کوشش و مجاهدت، خواهری و برادری و مهر و محبت میان مذاهب حکم فرما و جهانگیر گردد.

بدیهی است باید ایمان و اعتقاد داشت، که بهترین راه معقول آدمیت برای بشر آنست که هر کس معلم خویش باشد و با تمرینات و ورزش مغزی و فکری، خود را حاضر و تعلیم و تربیت صحیح کند و از اختلافات و دشمنی و جنگ نفرت داشته باشد و همگان دارای اخلاق نیکو و کردار حسنه گردند. دامن خود را از لوث دشمنی و آلودگی، عداوت، حسد، کینه توزی، ظلم، تکبر، خودخواهی، خودبینی، حرص و طمع، ریا، حيله و مکر، دروغ و غیبت، بدگویی، نفاق، دورویی، غضب، بی‌همتی، تعصب و خرافات تطهیر کنند.

دیگر آن که از راه آموزش و پرورش، تعلیم وحدت و یگانگی در بین افراد بشر به اطفال داده شود. بهترین راه برای اتحاد و اتفاق و وحدت ادیان، همان آموزگاران و دبیران و استادان هستند که می‌توانند از طفولیت با تمرینات لازم اطفال را آماده و اصلاح کنند. لازم است در مدارس ساعات بخصوصی برای تعلیم و تدریس این مطالب تعیین شود، تا با خواست خدای بزرگ دنیا و عالم بشریت از مزایای وحدت و آدمیت برخوردار و کامیاب شود.

به طوری که عدیداً گفته شده، از قوای ظاهری و باطنی که خدای بزرگ در نهاد بشر به ودیعت نهاده است، با تمرینات و سعی و کوشش می‌توان به امور بالا فائق آمد. اینک بهترین تئوری و داروی نجات دهنده اصول مسلم وحدت خداپرستان بر روی کره زمین ارائه می‌شود. برای یک نظام معقول با یک صلح و صفای جهانی باطنی در جامعه انسانی (وحدت نوین) وضع شده، زیرا اگر کلیه افراد بشر تابع عقل و منطق باشند، بدون چون و چرا هر فرد این هدف عالی را خواهد پذیرفت، چرا که وحدت برای رسیدن به یک زندگی خوب و پربرکت بدون نزاع و جدال است و این تئوری قابل قبول عده‌ای در جهان قرار گرفته و طرفداران زیادی پیدا نموده و روشن و واضح شده است که این طرح قابل اجرا است و نتیجه بسیار مطلوب بدست خواهد آمد.

باید آزادی فکری و عقلی مردم وسعت یابد، از اسارت خرافات رها شوند و هر فرد از استقلال عقلی بهره ور شود و آنچه به نظرش می‌رسد آزادانه بیان و تحریر نماید، تا هرکس به نظرش خوب و موافق با خرد بود، بیسند و به کار بندد و اگر با عقل و خرد توازن پیدا نکرد، اجتناب کند.

هرگاه از بیان ناروایی‌های گذشته گرد ملال بر ضمیر پاک خواننده نشسته است، اینک که دارو و درمان درد با درخشندگی و روشنی آشکار گردید، انتظار دارد خورشید منور شادمانی بر قلبها طالع و امیدی سرشار و بی‌پایان و مالمال از منبع فیض الهی بر همه دلها بنشیند و همگان با یقینی استوار شاهد برطرف شدن ابرهای تیره و درخشش روزافزون خورشید نورانی وحدت باشند. همه خواهران و برادران عزیز را به یزدان مقتدر دانا و توانا می‌سپارم.